



انتخابات خانه مطبوعات و رسانه های خراسان رضوی بر گزار شد

۳ شهرآرایی در هیئت مدیره خانه مطبوعات و رسانه های استان



سید جواد اشکدزی، بنیامین یوسف زاده و جواد طاری بخش، خبرنگاران روزنامه شهرآرا، به جمع اعضای هیئت مدیره و بازرسان خانه مطبوعات و رسانه های خراسان رضوی راه پیدا کردند. به گزارش شهرآرا، انتخابات هیئت مدیره و بازرسان خانه مطبوعات و رسانه های خراسان رضوی در ابتدا در تاریخ ۱۲۸ آذر برگزار شد، اما به دلیل به حدصاب نرسیدن تعداد شرکت کنندگان (نصف + یک تعداد اعضا) به مرحله دوم رسید.

دومین مرحله انتخابات خانه مطبوعات خراسان رضوی نیز صبح روز گذشته ۵۲۷ی به صورت الکترونیکی با مشارکت بیش از ۷۰درصد اعضا (۳۵۲نفر از میان ۴۷۰نفر واجد شرایط رأی دهی) برگزار شد که خبرنگاران روزنامه شهرآرا بیشترین مشارکت را داشتند. در پایان این انتخابات، از میان ۲۳نامزد اعضای هیئت مدیره، سیدهادی فیاضی و فاطمه محمد زاده به عنوان نماینده مدیرمسئول و جواد طاری بخش، بنیامین یوسف زاده الوندی و سعید برند به عنوان نماینده خبرنگاران، مجتبی محمودی مهماندوست سفلی نماینده روزنامه سراسری، محمد جواد رنجبر به عنوان نماینده خبرگزاری در هیئت مدیره خانه مطبوعات خراسان رضوی برای مدت سه سال انتخاب شدند. از میان سیزده نامزد بازرسی نیز سید حبیب قآنی بامی و سید جواد اشکدزی میزان آرای لازم را کسب کردند. همچنین، حسین رفیعی در بخش نماینده مدیرمسئول، محمدعلی علی نژاد و محمد ظریف در بخش نماینده خبرنگار، نجمه فتح پور در بخش نماینده روزنامه سراسری و مجتبی نوربان در بخش نماینده خبرگزاری به عنوان اعضای علی البدل معرفی شدند. سیدهادی مهدیان عارفی نیز به عنوان بازرس علی البدل انتخاب شد.



خاطرات کاظم اخوان، عکاس شهیدی جنگ ایران و عراق منتشر شد

کاظم ته تغاری خانواده اخوان، در گروه دوستان نقش مرکزی و رهبری داشت. دوستانی که تا آغاز زمزمه های انقلاب در مشهد هم پای همدیگر بودند. نقطه برجسته زندگی او، آشنایی با ستاد جنگ های نامنظم و مصطفی چمران بود. به گفته دوستان و هم زمان، این دیدار تا آنجایی پیش رفت که ابتدا کاظم به عنوان رزمنده و در ادامه به عنوان همه کاره ستاد، هر جا دکتر چمران بود، حضور داشت. گل خاطرات کاظم مربوط می شود به آشنایی وی با دوربین عکاسی، آن هم به درخواست پدر معنوی اش. یعنی دکتر چمران؛ به گونه ای که در یک دستش اسلحه و در دست دیگری دوربین عکاسی بود. بیشتر تصاویر زیبایی که از دکتر چمران به یادگار مانده است، با دوربین عکاسی اهدایی ایشان به کاظم ضبط و ثبت شده است. با شهادت دکتر چمران و انحلال ستاد جنگ های نامنظم، دامنه فعالیت کاظم تغییر شکل می یابد، اما دوربین عکاسی همچنان نقش اول خاطرات او را در سال های ۱۳۵۹، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ بازی می کند. ایننا نوشته است؛ زندگی کاظم بعد از تمام شدن عملیات بیت المقدس، با احمد متوسلیان گره می خورد. زندگی جدید او با اعزام شدن به سوریه و لبنان رنگ و بوی دیگری می گیرد. او با وجود توصیه دوستان و فرماندهان ستاد جنگ های نامنظم، داوطلبانه به مأموریت برون مرزی می رود.

با اسارت کاظم، احمد متوسلیان، تقی رستگارمقدم و سیدمحسن موسوی که با عنوان چهار دیپلمات شناخته می شوند، خاطرات او رنگ و بوی انتظار می گیرد؛ انتظاری کشنده، انتظاری که خانواده هر چهار دیپلمات را از این نهاد سیاسی به نهاد دیگر سیاسی می کشاند.

انتظاری که تا اکنون نیز ادامه دارد. در این کتاب سعی شده است با تکیه بر اخبار مؤثق، ماجرای زنده بودن یا شهادت آن ها بررسی شود. «تصویری در بند» خاطرات جاویدالتر کاظم اخوان، به قلم مؤنس عبدی زاده در ۲۱۶ صفحه نوشته و توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار نشر شده است.



امام رضا(ع)، الگوی گفت وگویی عالمانه میان ادیان

مشهدالرضا(ع)، میزبان دومین همایش بین المللی امام رضا(ع) و گفت وگویی ادیان



توحیدی محدوده ایران و عراق است که پیروان آن هم اکنون در خوزستان و جنوب عراق در کنار رودخانه زندگی می کنند و نام صابنان حتی در قرآن کریم در کنار سایر ادیان الهی آمده و «گنزا ربا» کتاب مقدس صابنان مندایی هم تأییدکننده همه آموزه های عالی قرآن کریم است. به گفته وی، اخلاق و کرامت برای صابنان مندایی جایگاهی بسیار ارزنده دارد تا جایی که یکی از ارکان این دین، داشتن حسن خلق با سایر انسان هاست. بر همین اساس، وظیفه اصلی علمای ادیان این است که با هم بستگی و تفاهم از گسترش تبعیض، خشونت و ظلم در جهان جلوگیری کنند. یونس حامی لاله زار، خام اعظم جامعه یهودیان ایران، هم در بخش دیگری از این میزگرد، با اشاره به ضرورت گفت وگویی بین ادیان و هم زیستی مسالمت آمیز با تأکید بر نقاط مشترک، دستیابی به صلح، آرامش و زندگی مسالمت آمیز در سطح جهان را از آرزوهای دیرینه بشر دانست و بیان کرد؛ به نظر می رسد تنها راه تحقق چنین صلح و زندگی مسالمت آمیزی، شناخت متقابل از طریق گفت وگو باشد. بر همین اساس، فقط گفت وگوست که می تواند برداشت های ناصحیح، کینه توزی و دشمنی ها میان پیروان ادیان مختلف را برطرف کند؛ البته مشروط بر آنکه دستیابی به یک فهم واقعی از طرف مقابل و کشف نقاط اشتراک، هدف مهم گفت وگویی میان ادیان باشد.

همه این مکاتب یکتاپرستی مشترک بوده است و می توان همانند اقامه نماز به سوی قبله مشترک و استعانت از توحید محض، گستره جامعه بشری را هم گرد یک اندیشه متعالی و نجات بخش جمع کرد. اعوانی گفت؛ در قرآن بر اصل نبوت همه انبیای الهی تأکید شده و توجه به این اصل مهم در گفت وگویی ادیان بسیار مؤثر است. هدایت از اساس چیزی نیست که منسوخ شود و به این دلیل که انبیای الهی همگی نور واحد هستند، ایمان به همه آن ها نیز واجب است. در این اوضاع، اسلام از همه پیروان ادیان الهی می خواهد در حد توانشان دین خالص را روی زمین بریا کنند تا امکان هدایت برای همه مردم فراهم باشد. اینجاست که گفت وگویی ادیان به سبک مناظرات امام هشتم(ع) ضرورت پیدا می کند تا به موازات هم گرایی میان ادیان، رستگاری و وحدت امت اسلامی را هم به همراه داشته باشد.

گفت وگو، شرط هم زیستی مسلمانان با صابنان و یهودیان در دومین همایش بین المللی امام رضا(ع) و گفت وگویی ادیان، سخنرانانی از بین علمای سرشناس سایر ادیان الهی هم حضور داشتند. نجاح چحیلی، رهبر دینی جمعیت صابنان مندایی ایران، در میزگرد تخصصی این همایش به بررسی گفت وگویی ادیان از منظر صابنان مندایی پرداخت و تأکید کرد که دین صابنان یکی از قدیمی ترین ادیان

امام رضا(ع)، این همایش با حضور علمای تراز اول مسیحی، زرتشتی، کلیمی و اشوری برگزار شده است تا به رویکرد نخبگانی در گفت وگوهای بین ادیان شکلی تازه ببخشد. مشارکت علمی ۱۱۳ نهاد و مرکز بین المللی احد فرامرز قراملکی، رئیس بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی که دبیر علمی این جشنواره هم بود، در بخشی از سخنانش به تشریح اهداف برگزاری این رویداد پرداخت و گفت: گفت وگو و هم زیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان و مذاهب در کنار یکدیگر، تقویت تعامل علمی میان دانشمندان ادیان و مذاهب گوناگون، تقویت تعامل علمی بین مؤسسات دینی ایران و سایر کشورهای جهان، هم فکری ادیان یکتاپرستی محسوب می شوند و دربراه همین اشتراکات، می توان نظریه گفت وگویی ادیان را همان طور که علی بن موسی الرضا(ع) در زمان حیات خود انجام دادند، دوباره تکرار کرد. به گفته رئیس دومین همایش امام رضا(ع) و گفت وگویی ادیان، مسلمانان تعامل با سایر ادیان الهی را تکلیف دینی و وظیفه شرعی خود می دانند و براین اساس، در سده گذشته همواره آغوش مسلمانان برای گفت وگو با سایر ادیان باز بوده است تا تقرب به ذات اقدس پروردگار برای همه حاصل شود و پرچم انسانیت در جهان برافراشته بماند.

وی ادامه داد: امام هشتم(ع) را می توان نماد گفت وگو بین ادیان دانست که مناظره منطقی یا همان جدال احسن را با تحقق گفت وگوهای عالمانه، آموخته و مشتمل بر حقیقت و اصول اخلاقی به نمایش گذاشتند. مشارکت علمی ۱۱۳ نهاد و مرکز بین المللی احد فرامرز قراملکی، رئیس بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی که دبیر علمی این جشنواره هم بود، در بخشی از سخنانش به تشریح اهداف برگزاری این رویداد پرداخت و گفت: گفت وگو و هم زیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان و مذاهب در کنار یکدیگر، تقویت تعامل علمی میان دانشمندان ادیان و مذاهب گوناگون، تقویت تعامل علمی بین مؤسسات دینی ایران و سایر کشورهای جهان، هم فکری ادیان یکتاپرستی محسوب می شوند و دربراه همین اشتراکات، می توان نظریه گفت وگویی ادیان را همان طور که علی بن موسی الرضا(ع) در زمان حیات خود انجام دادند، دوباره تکرار کرد. به گفته رئیس دومین همایش امام رضا(ع) و گفت وگویی ادیان، مسلمانان تعامل با سایر ادیان الهی را تکلیف دینی و وظیفه شرعی خود می دانند و براین اساس، در سده گذشته همواره آغوش مسلمانان برای گفت وگو با سایر ادیان باز بوده است تا تقرب به ذات اقدس پروردگار برای همه حاصل شود و پرچم انسانیت در جهان برافراشته بماند.



صبح روز گذشته، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی میزبان همایش بین المللی امام رضا(ع) و گفت وگویی ادیان بود، جایی که در آن استادان دانشگاه، چهره های برجسته حوزوی و حتی علمای سایر ادیان گرد هم جمع شده بودند تا پنا به سنت جلسات گفت وگویی امام هشتم(ع) با ادیان مختلف، راهبردهای این مسیر روشن را استخراج و درباره آن بحث و گفت وگو کنند.

آغوش باز اسلام به روی گفت وگویی ادیان آیت... محمد هادی عبد خدایی، رئیس این همایش، در ابتدای سخنانش تصریح کرد که امام رضا(ع) یک الگو برای گفت وگوهای میان ادیان است و باید این منطق دوباره در جهان فراگیر شود، زیرا همه بحران های امروز دنیا به دلیل دور شدن مردم از سیره و سلوک اولیای الهی حاصل شده و جهان امروز نیازمند همکاری ادیان با یکدیگر است. وی افزود، مسائل زیادی در بین ادیان مختلف مشترک هستند. موضوعاتی مانند تفکرات توحیدی، معاد، اختیار بشر و عدالت، همگی آرمان ها و مبانی فکری ادیان یکتاپرستی محسوب می شوند و دربراه همین اشتراکات، می توان نظریه گفت وگویی ادیان را همان طور که علی بن موسی الرضا(ع) در زمان حیات خود انجام دادند، دوباره تکرار کرد. به گفته رئیس دومین همایش امام رضا(ع) و گفت وگویی ادیان، مسلمانان تعامل با سایر ادیان الهی را تکلیف دینی و وظیفه شرعی خود می دانند و براین اساس، در سده گذشته همواره آغوش مسلمانان برای گفت وگو با سایر ادیان باز بوده است تا تقرب به ذات اقدس پروردگار برای همه حاصل شود و پرچم انسانیت در جهان برافراشته بماند.

وی ادامه داد: امام هشتم(ع) را می توان نماد گفت وگو بین ادیان دانست که مناظره منطقی یا همان جدال احسن را با تحقق گفت وگوهای عالمانه، آموخته و مشتمل بر حقیقت و اصول اخلاقی به نمایش گذاشتند.



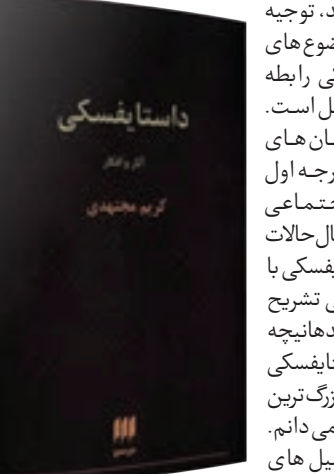
باز نشر گفت وگویی با کریم مجتهدی، درباره نویسنده بزرگ روس

داستایفسکی، تصویرگر چهره های متناقض یک انسان

روانی داستایفسکی را می پذیرفته است. شخصاً از میان کتاب های داستایفسکی که عظمت خاصی دارد، می توانم به «برادران کارامزوف»، «جنایت و مکافات» و «ابله» اشاره کنم. به نظرم وقتی شخصیت هایی چون پرنس میشکین، سه برادر و بعضی از زن های داستان های داستایفسکی را تحلیل می کنید، مثل آنستازیا فیلیپوونا در کتاب «ابله»، با چهره انسان هایی روبه روی شوید که جنبه های متنوع و گوناگونی دارند. این جنبه ها گاهی متضاد و گاهی غیر انسانی است، در عین حال که داعیه انسانی بودن دارد. فکر می کنم داستایفسکی با مهارتی فوق العاده توانسته است چهره های متضاد و متناقض یک انسان را به تصویر بکشد.

تأثیر آثار و نوشته های داستایفسکی بر جریان های فلسفی و فیلسوفان سده بیستم چگونه است؟ تاحدودی آثار داستایفسکی بر فلسفه های جدید از نوع فلسفه ژان پل سارتر یا کسانی که از او متأثر بودند، تأثیر گذاشت. مثلاً شخصیتی در مان ابله هست

به اسم هیپولیت که یک پوچ انگار یا نیست انگار است یا جای دیگری در آثار داستایفسکی به این حکم برمی خوریم که «اگر خدا نباشد، انجام هر کاری مباح است». از این ایده ها و مفاهیم داستایفسکی برخی فیلسوفان اگزیستانسیالیست فرانسیسی استفاده کرده اند، اما به نظر من هیچ کدام از آن ها عمق داستایفسکی را ندارند. داستایفسکی از نظر انسان شناسی و شناخت جنبه های مختلف روحیات انسان، استثناست. کمتر کسی هست که با این خشونت و در عین حال واقع بینی، زوایای روان بشری را به تصویر کشیده باشد.



پسران») می بینیم؟ برخلاف تصور اولیه، انقلاب روسیه به هر صورتی که در نظر بگیریم، ریشه های تاریخی عمیقی دارد. حتی می توان نشان داد که آرمان های انقلاب اکتبر روسیه در بعضی رمان های داستایفسکی منعکس است و برخی شخصیت ها که بعداً در روسیه به قهرمان و ضد قهرمان تبدیل می شوند، در آثار داستایفسکی حضور دارند. یکی از آن ها همین شخصیت استاروگین است که شما نیز به او اشاره کردید. در کتاب «جن زندگان» یا «تسخیر شدگان» شاهدیم که انسان هایی اگرچه انقلابی هستند، در عین حال خودشان را از شرور و خیانت درونی شان نمی توانند رها سازند. آن خشونت و خشمی که در بعضی از این افراد هست، حاکی از یک عقده روحی است. این امر به ویژه در این رمان دیده می شود.

تسخیر به این معناست که اراده از آن خود فرد نیست و اراده دیگری در آن فرد تحقق یافته است که اگر وجدان آن فرد کار می کرد، به آن راه نمی افتاد. بنابراین نیات، اعتبار اعمال را توجیه نمی کنند. نیت این افراد خوب است، اما این عملی را که بر اساس آن نیات به وجود آمده باشد، توجیه نمی کند. یکی از موضوع های اصلی داستایفسکی رابطه نیت با اعتبار عمل است.

شخصیت های رمان های داستایفسکی در درجه اول شخصیت های اجتماعی هستند، اما در عین حال حالات روانی آن ها را داستایفسکی با مهارتی باورنکردنی تشریح می کند تا جایی که بعداً هیچه می گوید که من داستایفسکی را می خوانم، زیرا او بزرگ ترین روان شناس جهان می دانم. البته نیچه تنها تحلیل های

زیرا تصادفاً جنایاتی رخ می دهد، یعنی قصد او کشتن یک انسان نادرست (پیرزن رباخوار) بود، اما عملاً یک انسان معصوم و بی گناه را نیز می کشد و باید مکافات آن را تا بد تحمل کند. مسئله دیگر در آثار داستایفسکی این است که گویی انسان به ناچار در ذات و درون خودش با نوعی شر روبه روست. در بعضی آثار داستایفسکی این امر به این موضوع حمل می شود که هر انسانی شریک جرم آدم ابوالبشر و خطایی است که از او سر زده است. یعنی گویی آن گناه نخستین، در زندگی روزمره هر یک از انسان ها انعکاس دارد.

به نظر می آید بحث شک و ایمان یکی دیگر از مسائل فلسفی است که در آثار داستایفسکی دیده می شود، مثل درگیری های ذهنی ایوان کارامازوف در رمان «برادران کارامازوف». ارزیابی شما از این موضوع چیست؟ داستایفسکی به ویژه در اواخر عمرش شخصی باطناً عرفانی و مؤمن بود، اما در عین حال متوجه است که این ایمان اصیل باطنی انسان ممکن است دستخوش بهانه ای برای دستگاه هایی شود که به نفع نادرست از آن سوء استفاده می کنند. این مسئله در کتاب «برادران کارامازوف» به صورت صحنه ای که میان دو برادر (ایوان و آلپوشا) گفت وگویی درمی گیرد، نشان داده می شود. در این قسمت از رمان (که به صحنه مفتش بزرگ معروف است)، چنین توصیف می شود که گویی مسیح بازگشته است و انسان هایی که از نوا و اطرد می کنند و به صلیب می کشند، خود کلیسای ها هستند. این بخش از رمان به هیچ وجه موضع گیری علیه ایمان نیست، بلکه نوعی دفاع از ایمان مقابل سوء استفاده هایی است که از آن می شود.

شخصیت هایی مثل راسکولنیکوف، استاروگین (رمان «جن زندگان») و ایوان کارامازوف برخاسته از چه وضعی در جامعه روسیه هستند؟ چرا ما بسامد چنین شخصیت هایی را در رمان های روس (مثل شخصیت بازروف رمان «پدران و

کندوکا در آثار داستایفسکی پس از ۱۵۰ سال هنوز ادامه دارد. از ملت ادبیات که بگذریم، فلاسفه و روان سکاوان توجهی ویژه به این نویسنده روس داشته اند و خط به خط آثار او را واگویی کرده اند تا به عمق روح شخصیت هایی که او خلق کرده است، نقد بزنند. دکتر کریم مجتهدی، از استادان بزرگ و نامی فلسفه در ایران که همین چند روز پیش از میان ما رفت نیز در کارنامه پربارش کتابی دارد با عنوان «داستایفسکی، آثار و افکار»، او در گفت وگویی که چند سال پیش با روزنامه اعتماد داشته، از جهان داستایفسکی و شخصیت هایش گفته است. او داستایفسکی را «از نظر انسان شناسی و شناخت جنبه های مختلف روحیات انسان، یک استثنا می داند و معتقد است «کمتر کسی هست که با این خشونت و در عین حال واقع بینی، زوایای روان بشری را به تصویر کشیده است». آنچه در ادامه می آید، بخشی از این گفت وگوست که به بهانه درگذشت این استاد گران قدر باز نشر می شود.

به نظر شما مهم ترین مسئله یا مسائل فلسفی ای که ذهن داستایفسکی را به خودش مشغول کرده بود و در آثارش دیده می شود، چه بود؟ تصور می کنم در درجه اول بیش از همه مسائل اخلاقی و رفتاری و تضاد های درونی انسان است که در آثار داستایفسکی دیده می شود. از نظر داستایفسکی اعمال انسان به ناچار گاهی به بن بست هایی برخورد می کند که نیت خیر ناخواسته به شرور مبدل می شود. بهترین نمونه این موضوع شخصیت راسکولنیکوف در رمان مشهور «جنایت و مکافات» است. راسکولنیکوف شخصیتی عدالت خواه و داد خواه است و قصد دارد که عملی انسانی صورت دهد و از هر لحاظ درست کار باشد، اما در عمل همین میل به امر خیر او را گرفتار می کند.

به نظر شما مهم ترین مسئله یا مسائل فلسفی ای که ذهن داستایفسکی را به خودش مشغول کرده بود و در آثارش دیده می شود، چه بود؟ تصور می کنم در درجه اول بیش از همه مسائل اخلاقی و رفتاری و تضاد های درونی انسان است که در آثار داستایفسکی دیده می شود. از نظر داستایفسکی اعمال انسان به ناچار گاهی به بن بست هایی برخورد می کند که نیت خیر ناخواسته به شرور مبدل می شود. بهترین نمونه این موضوع شخصیت راسکولنیکوف در رمان مشهور «جنایت و مکافات» است. راسکولنیکوف شخصیتی عدالت خواه و داد خواه است و قصد دارد که عملی انسانی صورت دهد و از هر لحاظ درست کار باشد، اما در عمل همین میل به امر خیر او را گرفتار می کند.